

بررسی حقوقی مالکیت مجاری طبیعی آبی و آثار حقوقی مترتب بر آن

عباسعلی پورالشریعه^۱، مرتضی شهبازی‌نیا^۲ و مهشیدالسادات طبایی^۳

چکیده

مالکیت مجاری طبیعی آبی یکی از مسائل مهم حقوق آب کشور است، از این‌رو سیر تحول و تطور مالکیت بستر مجاری مذکور از ابتدای دوره قانون‌گذاری تاکنون، به استناد قانون مدنی به‌عنوان قانون مادر و بند ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها به‌عنوان نخستین قانون ناظر بر مالکیت بستر جاری در شهرها و ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن و تبصره‌های مربوط و همچنین ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب و تبصره‌های ذیل آن به‌عنوان قوانین مرتبط با بخش آب بررسی، معیارهای قانونی تعیین و تشخیص بستر، نقد و آثار حقوقی آن بر مالکیت اراضی مجاور مجاری طبیعی آبی تبیین شد. نتیجه اینکه بستر مجاری طبیعی آبی از مشترکات عمومی بوده و در اختیار حکومت اسلامی است و ملک دولت تلقی نمی‌شود و اقدامات وزارت نیرو صرفاً من‌باب تولیت بوده و اعمال ضوابط و معیارهای قانونی در تشخیص بستر مجاری طبیعی آبی و حد‌نهایی آن و همچنین تثبیت آن در طبیعت به‌منظور حفظ حقوق عامه و جلوگیری از ورود خسارت به مالکان اراضی مجاور و همچنین جلوگیری از ایجاد زلزله یا تحدید در مالکیت آنان مورد تأکید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: قوانین مرتبط با آب، مجاری طبیعی آبی، مالکیت حکومت، معیار تشخیص بستر.

ارجاع: شهبازی‌نیا م. پورالشریعه ع. و طبایی م. ۱۴۰۰. بررسی حقوقی مالکیت مجاری طبیعی آبی و آثار حقوقی مترتب بر آن. مجله پژوهش آب ایران. ۴۳: ۲۰-۱۱.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار دانشکده حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

✉ نویسنده مسئول: shahbazinia@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

مقدمه

با توجه به سپری شدن بیش از یک قرن از اولین دوره قانون گذاری در کشور و برغم تصویب دهها قانون با عناوین مختلف اما مرتبط با آب، تاکنون قانون جامع آب در کشور به تصویب نرسید، این در حالی است که به موازات قوانین ناظر بر آب به عنوان مظروف، به تصویب مقرراتی جامع و مانع با موضوعیت مجاری آبی به عنوان ظرف که عاری از هرگونه اجمال و ابهام باشد نیز نیاز است. از آنجایی که مالکیت مجاری آبی با رویکرد مالکیت رودخانهها، انهار طبیعی و مسیلها یکی از دغدغه های دست اندرکاران و متولیان امر و همچنین جامعه حقوقدانان، وکلا و قضات بوده و هست، تبیین این مهم و همچنین بررسی آثار حقوقی مترتب بر آن ضرورت دارد؛ خصوصاً اینکه عواملی نظیر تعدد و وسعت مجاری آبی کشور، رشد جمعیت، افزایش بهای زمین و تغییر کاربری اراضی زمینه اقبال بیش از پیش اشخاص به بستر مجاری آبی را فراهم و متعاقب آن با ایجاد تعارض منافع، بروز اختلاف، نزاع و درگیری بین اشخاص و دولت از یک سو و وقوع سیلابهایی با دوره های بازگشت پنجاه ساله و صد ساله یا بیشتر که باعث گسترش بیش از پیش عرض رودخانهها و از بین بردن اراضی مالکان مجاور شده و موجبات طرح دعای فراوان، چه از جانب متولیان امر علیه اشخاص و چه از جانب اشخاص علیه متولیان امر را فراهم می سازد. از دیگر سو بر اهمیت موضوع افزوده است؛ از این رو بررسی وضعیت مالکیت مجاری آبی طبیعی در نظام حقوقی کشور به عنوان یک مطالبه اجتماعی و عمومی که در تنظیم روابط مالکانه بین اشخاص و دولت ایفای نقش کرده و از جمله مسائل مهم حقوق آب کشور محسوب می شود، موضوع مقاله حاضر را تشکیل می دهد.

تعریف مجاری آبی

لازم است قبل از ورود به بحث، واژه «مجاری آبی»^۱ درجهت تبیین موضوع به نحو واضح و روشن تعریف شود. مجاری، جمع واژه مجرا است و از نظر حقوق آب، مجرا مسیر آبی است که به طور طبیعی یا مصنوعی ایجاد می شود و اصولاً محل عبور و بستر آب روان را مجرا نامند (رشیدی، ۱۳۸۲).

مستفاد از تعریف فوق اینکه مجاری آبی اعم از مجاری طبیعی و احداثی است و از مصادیق مهم مجاری طبیعی رودخانهها، انهار طبیعی و مسیلها هستند که بدون دخالت انسان و براساس مقتضیات جغرافیایی و اقلیمی هر حوزه آبریز شکل گرفته و مجرای نزولات جوئی قرار می گیرند، مجاری طبیعی غالباً از کوهستان به سمت دریا جریان دارند که موضوع مقاله حاضر است. یادآور می شود در مقابل مجاری آبی طبیعی، مجاری مصنوعی یا احداثی قرار دارد که از مصادیق مهم آن می توان به انهار سنتی و کانالهای آبیاری و زهکشی اشاره کرد که به دست انسان یا با استفاده از ماشین آلات احداث شده و آبهای سطحی را با اهداف معین به صورت سنتی یا مدرن از نقطه ای به نقطه دیگر هدایت یا منتقل می سازد که از موضوع بحث خارج است.

مالکیت مجاری آبی طبیعی در قوانین موضوعه

قوانین موضوعه مرتبط با مالکیت مجاری آبی طبیعی را با لحاظ سیر تحول آن می توان به سه دوره مهم تاریخی به شرح ذیل دسته بندی کرد:

الف- دوره مالکیت خصوصی آب

ب- دوره مالکیت عمومی و ملی آب

ج- دوره حکمرانی آب

الف- دوره مالکیت خصوصی مجاری آبی

قانون مدنی: در این دوره که از ابتدای دوره قانون گذاری در سال ۱۲۸۵ تا آغاز دوره مالکیت عمومی و ملی آب در سال ۱۳۴۷ را دربر می گیرد، بستر رودخانهها، انهار طبیعی و مسیلها توسط اشخاص و مالکان مجاور تصرف و با توجه به شرایط موجود مورد بهره برداری قرار می گرفت. در این دوره اشخاص با توسل به موازین فقهی که مردم را در سه چیز از جمله آب شریک دانسته و از طریق حیات آب و مجاری آبی، مالکیت خصوصی آن را تجویز می کرد، استفاده کنندگان از آب عموماً و مالکان مجاور مجاری آبی طبیعی خصوصاً بر اموال یادشده، تصرف می کردند؛ این در حالی است که رودخانه، خانه رود و مسیل نیز محل جریان سیل بوده و همانگونه که از نام آن پیداست این خانه و این مسیل همواره می بایست مصون از هرگونه تعرض باقی می ماند تا در امر

1- Water channel

تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها

در اواخر این دوره تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۵ به تصویب رسید که مقرر می‌دارد: «راضی کوچه‌های عمومی و میدان‌ها و پیاده‌روها و خیابان‌ها و به‌طور کلی معابر و بستر رودخانه‌ها و نه‌رها و مجاری فاضلاب شهرها و باغ‌های عمومی و گورستان‌های عمومی و درخت‌های معابر عمومی واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری است. ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه‌ها واقع در محدوده شهرها بلامانع است. شهرداری‌ها نیز مکلفند برای اجرای هرگونه عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها قبلاً نظر وزارت آب و برق را جلب نمایند.» به موجب تبصره ۶ الحاقی ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها، بستر رودخانه‌ها و نه‌رهای واقع در محدوده هر شهر که مورد استفاده عموم است ملک عمومی محسوب و در مالکیت شهرداری اعلام شد، اگرچه تبصره مرقوم پس از قانون تأسیس وزارت آب و برق (مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۴۲) به تصویب رسید و در متن خود ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق را در بستر رودخانه‌های واقع در محدوده شهرها بلامانع دانست، لیکن شهرداری‌ها را نیز مکلف کرد تا برای اجرای هرگونه عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها (رودخانه‌های واقع در محدوده شهر) قبلاً نظر وزارت آب و برق را جلب کند. از دقت در مفاد تبصره ۶ الحاقی به ماده ۹۶ قانون شهرداری‌ها استنباط می‌شود که قانون‌گذار توجه خاصی به وظایف وزارت آب و برق داشته و بر این اساس به‌رغم اعلام مالکیت شهرداری‌ها بر بستر رودخانه‌های واقع در محدوده شهرها، ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق در بستر رودخانه‌های مذکور را مجاز و بلامانع دانسته و همچنین اجرای هرگونه عملیات عمرانی در بستر رودخانه‌ها از سوی شهرداری‌ها را به اخذ نظر قبلی از وزارت آب و برق منوط کرد. جمع بین اعلام مالکیت شهرداری‌ها بر بستر رودخانه واقع در محدوده شهرها از یک سو و بلامانع بودن ایجاد تأسیسات آبیاری از طرف وزارت آب و برق بدون مقیدشدن به اخذ نظر مالک (شهرداری‌ها) از سوی دیگر و مهم‌تر از همه، مکلف کردن مالک (شهرداری‌ها) به اخذ نظر قبلی از

هدایت و انتقال آب از مسیر طبیعی آن خللی وارد نشود، اما شواهد تاریخی نشان داد که این تعرض بارها انجام پذیرفت -گرچه به قهر طبیعت اعاده شد- برآستی اگر نمی‌بود قوه قاهره سیلاب که خانه و مسیر خود را به قهر و غلبه از متصرفان بازپس گیرد، به قطع و یقین اثری از این شریان‌های حیات باقی نمی‌ماند. اینکه با وصف تصویب برخی قوانین در این دوره، آیا تصرفات اشخاص در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی که مورد استفاده عموم بوده و قاعدتاً نمی‌توانست مالک خاص داشته باشد جایز بوده یا خیر، پرسشی است که در ادامه بحث بدان پاسخ داده خواهد شد. از مهم‌ترین قانون مصوب این دوره که در زمینه اداره اموال عمومی، قانون مدنی است که در سال ۱۳۰۷ به تصویب رسید و در مواد ۲۳ و ۲۵ مقرراتی دارد. **ماده ۲۳ قانون مدنی** اشعار می‌دارد: «استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد، مطابق با قوانین مربوط به آن‌ها خواهد بود.» در بیان مقصود از «اموالی که مالک خاص ندارد» گفته شد که منظور اعم از این است که مالک آن عموم باشد یا در شمار اموال مباح، هنوز تملک نشده باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۹). در این ماده استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد را ارجاع داده است به قوانین مربوط؛ بنابراین در بررسی مالکیت مجاری آبی و اینکه آیا این‌گونه اموال دارای مالک خاص هستند یا خیر، مستلزم بررسی قوانین مربوط به آن است. از آن جایی که تا تاریخ تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ هیچ‌گونه مقررات خاصی راجع به مجاری آبی وضع نشده، امکان بررسی آن فراهم نبوده و سالبه به انتفاء موضوع است. **ماده ۲۵ قانون مدنی** مقرر می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد، از قبیل پل‌ها، کاروانسراها و آب‌انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاه‌های عمومی، تملک کند و همچنین است قنوات و چاه‌هایی که مورد استفاده عموم است.» مستفاد از ماده مرقوم، اموالی که متصف به وصف استفاده عموم باشد از قابلیت تملک خصوصی برخوردار نخواهد بود (امامی، ۱۳۶۳) و اینکه مصادیق مقید در ماده فوق نیز جنبه تمثیلی دارد نه حصری، فلذا می‌تواند عناوین فراوان دیگری نظیر رودخانه‌ها، مسیل‌ها و انهار طبیعی که موضوع بحث است را نیز شامل شود.

حدی است که مسیر رودخانه یا نهر را در حداکثر طغیان معمولی نشان دهد و همچنین است ساحل دریاها و دریاچه‌ها. طبق قانون اراضی ساحلی مصوب ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ ایجاد هرگونه اعیانی در بستر انهار و رودخانه‌ها و در سواحل دریا و دریاچه‌ها اعم از طبیعی یا مخزنی با توجه به حریم قانونی ممنوع است، مگر با اجازه وزارت آب و برق.

تبصره ۱- حداکثر طغیان در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی با توجه به آمار هیدرولوژی رودخانه و انهار و داغاب در بستر طبیعی آن‌ها بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی از طرف وزارت آب و برق تعیین خواهد شد. تبصره ۲- وزارت آب و برق در صورتی که اعیانی‌های موجود در بستر انهار و رودخانه‌ها را برای بهره‌برداری آب و برق مزاحم تشخیص دهد، به مالک یا متصرف اعلام خواهد کرد که ظرف مدت معینی در تخلیه و قلع اعیانی اقدام کند و در صورت استنکاف، وزارت آب و برق با نظارت دادستان یا نماینده او اقدام به تخلیه و قلع خواهد کرد. در صورتی که تا تاریخ تصویب این قانون (۲۷ تیر ۱۳۴۷) ایجاد اعیانی با کسب اجازه از مقامات ذیصلاحیت شده باشد فقط خسارت اعیانی به‌ترتیب مقرر در ماده ۵۰ تعیین و پرداخت می‌شود. مستنبط از ماده ۲ قانون مذکور اینکه بستر انهار طبیعی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند از تاریخ تصویب متعلق به دولت است و به قطع و یقین می‌توان گفت این اولین حکمی است که از آغاز دوره قانون‌گذاری تا زمان تصویب ماده مذکور درخصوص مالکیت همه مجاری آبی طبیعی حوضه‌های آبی کشور از شهر و روستا گرفته تا کوه و دشت و بیابان صادر شد. جالب است بدانیم که استفاده از واژه‌های «طبیعی» و «حداکثر طغیان معمولی» در ماده مرقوم معنادار بوده و واجد بار مفهومی به‌خصوصی (سرمد، ۱۳۵۱) است که حکایت از دقت بسیار بالای تنظیم‌کنندگان متن ماده و تصویب‌کنندگان آن دارد. به‌خوبی می‌دانیم که مجاری آبی غالباً به‌صورت رودخانه، نهر و مسیل در طبیعت مشاهده می‌شوند، اما تمامی آن‌ها طبیعی نیستند؛ به‌عنوان مثال رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم داشته باشند یا فصلی، مطلقاً به‌صورت طبیعی شکل گرفته و از مهم‌ترین مجاری آبی کشور محسوب می‌شوند و به همین دلیل در متن ماده مقید به قید «طبیعی» نشده‌اند، اما انهار که دارای

وزارت آب و برق برای اجرای هرگونه عملیات عمرانی، در نوع خود کم‌نظیر یا بی‌نظیر بوده، چون مرزهای مالکیت را درنور دیده و مقرراتی وضع کرد که مخالف است با آنچه که تحت عنوان حق مالکیت در قانون مدنی برای مالک مقرر شد. این نگاه اگرچه از بُعد مدیریتی قابل‌توجیه بوده و به نوعی مدیریت بر بستر رودخانه‌هایی که در خارج از محدوده قانونی شهرها جریان داشته و به‌عهده وزارت آب و برق است را با مدیریت شهری که مربوط به همه اراضی و اماکن واقع در محدوده شهرهاست، به‌گونه‌ای جمع و تلفیق کرد تا در انجام وظایف متولیان امر در محدوده مورد تداخل خللی ایجاد نشود که به لحاظ حقوقی توجیه ندارد.

ب- دوره مالکیت عمومی و ملی آب

این دوره با تصویب اولین قانون نسبتاً جامع آب در سال ۱۳۴۷ آغاز و توجهاً به مفاد قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن که آب را ثروت ملی و متعلق به عموم اعلام کرد، تحت عنوان دوره مالکیت عمومی و ملی آب و مجاری آبی نامیده شد. با تصویب قانون مرقوم، نظام حقوق آب ایران انتظام یافت و عصر نوینی آغاز شد که به موجب آن موارد زیادی از مباحثی که در گستره حقوق آب موضوعیت داشت در قالب مواد قانونی از تصویب مقنن گذشت که ازجمله می‌توان به بحث مالکیت مجاری آبی اشاره کرد که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اگرچه در ماده یک قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن، آب به‌عنوان ثروت ملی و متعلق به عموم اعلام شد که این اقدام قانون‌گذار خود تحولی بنیادین در مالکیت آب به شمار می‌رود، اما همانگونه که پیشتر گفته شد، مالکیت آب به‌عنوان مظهر موضوع اصلی بحث نبوده، فلذا به‌رغم تحول شگرفی که با تصویب این ماده در مالکیت آب ایجاد شد، از پرداختن بدان صرف‌نظر کرده و به بحث ظرف که همان مالکیت مجاری آبی است پرداخته می‌شود. تنها ماده‌ای که در قانون مذکور از مالکیت مجاری آبی سخن می‌گوید، ماده ۲ قانون آب مذکور و دو تبصره ذیل ماده مرقوم است که جهت ایجاد آمادگی لازم برای ارائه بحثی تحلیلی عیناً نقل می‌شود:

ماده ۲- بستر انهار طبیعی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند، متعلق به دولت است و پهنای آن تا

می‌شود که با الگوپذیری از قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن با تغییراتی نه‌چندان مهم به تصویب رسید، به بررسی مالکیت مجاری آبی در قانون یادشده به‌عنوان قانون فعلی و مجری در حقوق آب کشور پرداخته می‌شود؛ فصل اول قانون توزیع عادلانه آب تحت عنوان مالکیت عمومی و ملی آب مشتمل است بر دو ماده و چهار تبصره که در ماده ۱ به بیان مالکیت آبها (به‌عنوان مظلوف) پرداخته که از موضوع بحث خارج است و در ماده ۲ متعرض مالکیت بستر مجاری آبی شد و در تبصره‌های چهارگانه ذیل آن نیز به چهار موضوع مهم و مبتلا به یعنی چگونگی تعیین بستر، حریم، دخل و تصرف در بستر و حریم و اعیانی‌های موجود در بستر و حریم اشاره داشته و در هر مورد مقرراتی را وضع کرد که در تطبیق اجمالی مواد یک و دو قانون توزیع عادلانه آب و تبصره‌های ذیل آن با مواد یک و دو قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن ملاحظه می‌شود که در قانون توزیع عادلانه آب نیز همانند قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن، ماده ۱ به مالکیت عمومی و ملی آب اختصاص یافت و ماده ۲ نیز به مالکیت بستر مجاری آبی پرداخت؛ در این قانون چهار تبصره ذیل ماده ۲ به تصویب رسید که در مقایسه با قانون قبلی ۲ تبصره با موضوعات تعیین حریم و ممنوعیت ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر و مجاری آبی و همچنین در حریم قانونی سواحل دریاها و دریاچه‌ها اعم از طبیعی یا مخزنی بدان اضافه شد. ازجمله تفاوت‌های اساسی در ماده یک قانون‌های مورد سخن در این است که در ماده یک قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن کلیه آب‌ها اعم از آب‌های سطحی، زیرزمینی و مخزنی (دریاچه‌ها، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی) «ثروت ملی» محسوب و «متعلق به عموم» اعلام شد؛ اما در ماده یک قانون توزیع عادلانه آب براساس اصل ۴۵ قانون اساسی، آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر، اعم از سطحی و زیرزمینی و... از «مشترکات» و «در اختیار حکومت اسلامی» اعلام که طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود. با دقت در مفاد ماده یک قانون آب قبلی و جدید ملاحظه می‌شود که عبارت «ثروت ملی» و «متعلق به عموم» در قانون قبلی جای خود را به عبارت «مشترکات» و «در اختیار حکومت اسلامی» است و طبق مصالح عامه از آن‌ها بهره‌برداری می‌شود» داد.

مصادیق طبیعی و حادثی هستند به قید «طبیعی» مقید شدند تا مالکیت دولت که صرفاً شامل بستر انهار طبیعی است از مالکیت اشخاصی که انهار حادثی را در ملک خود ایجاد می‌کنند از هم متمایز شود یا واژه «حداکثر طغیان معمولی» شاخصه‌ای است که به موجب آن حد نهایی بستر رودخانه‌ها تعیین و بدینسان از تزلزل مالکیت اشخاص که اراضی و املاکشان در مجاورت رودخانه‌ها قرار دارد جلوگیری و متقابلاً از تعدی و تجاوز احتمالی اشخاص به بستر رودخانه‌ها نیز ممانعت به عمل می‌آید. البته کاربرد عبارت حداکثر طغیان معمولی برای نهر طبیعی که غالباً منشعب از رودخانه‌ها بوده و به نسبت، حجم آب بسیار کمتری را در خود جای می‌دهند و اینکه بر خلاف رودخانه‌ها مجرای انتقال و هدایت سیلاب‌ها نیستند از دقت کافی برخوردار نبوده به لحاظ فنی و اصولی مناسب به نظر نمی‌رسد. ضوابط و معیارهای تعیین و تشخیص بستر مجاری آبی و حد نهایی آن در مباحث بعدی خواهد آمد.

ج- دوره حکمرانی آب

با تصویب قانون توزیع عادلانه آب در اسفند ۱۳۶۱ دوره جدیدی در مدیریت منابع و مصارف آب آغاز شد که همچنان استمرار دارد. در این دوره قوانین زیادی در بخش آب وضع شد که زمینه‌ساز تحولاتی چشمگیر در عرصه این صنعت بنیادین کشور شد که مهم‌ترین آن قانون توزیع عادلانه آب است. این قانون رویکردی عدالت‌محورانه و مشارکتی در توزیع آب کشور دارد که این رویکرد پس از تجربه و پشت‌سرگذاشتن دو دوره مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی و ملی آب دوره‌ای جدید را نوید می‌دهد که در این مقاله از آن به‌عنوان دوره حکمرانی آب یاد شد.

مقایسه اجمالی مواد ۱ و ۲ قانون توزیع عادلانه آب با قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن

از آن جایی که موضوع بحث بررسی مالکیت مجاری آبی به‌عنوان ظرف است، از پرداختن به مقوله آب به‌عنوان مظلوف صرف‌نظر و در ادامه با اشاره به اینکه قانون توزیع عادلانه آب، مشتمل بر ۵ فصل و ۵۲ ماده و ۲۷ تبصره، در حال حاضر تنها قانون نسبتاً جامع آب کشور محسوب

بهره‌برداری از آن را عهده‌دار است؛ یعنی همان‌طور که در قبال آب به‌عنوان مظلوف وظیفه‌مند است، در قبال بستر به‌عنوان ظرف نیز وظیفه‌مند خواهد بود. با توجه به مطالب پیش گفته، باید پذیرفت که بستر مجاری آبی مبحث‌عنه همانند آب به تبعیت از قاعده ظرف و مظلوف جزء مشترکات است؛ به عبارت دیگر اگر آب از مشترکات محسوب شود، لاجرم باید بستر آن نیز از مشترکات دانسته شود؛ زیرا مدیریت و بهره‌برداری بهینه از مظلوف سیالی چون آب بدون ظرفی در خور و متناسب چون بستر مشترک که نمی‌تواند مالک خاص داشته باشد، مقدور نیست. پذیرش عقیده‌ای جز این به معنی پذیرش اختلال در امور آبیاری، نادیده‌گرفتن حقوق اکتسابی، عرفی و حتی قانونی ذی‌نفعان و عدول از رویکرد حکمرانی خوب است.

ب- آثار حقوقی مترتب بر مالکیت مجاری طبیعی آبی

آثار حقوقی مترتب بر مجاری آبی طبیعی با توجه به مفهومی که از مالکیت ارائه شد، این است که بستر این‌گونه مجاری آبی از قابلیت تملک برخوردار نبوده و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و حتی اشخاص حقوقی عمومی مالکیتی بر آن نداشته و حکومت اسلامی نیز صرفاً اختیار دارد توسط یکی از ارکان خود، یعنی دولت و طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری کند، ضمن آنکه دولت به موجب قسمت اخیر ماده یک قانون فعلی، مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آن را عهده‌دار است؛ زیرا اعمال وظایف فوق بر آب‌های عمومی بدون ظرف متناسب، یعنی بستر مجاری آبی مذکور میسر نخواهد بود؛ فلذا حکم مقنن در خصوص آب به‌عنوان مظلوف عیناً بر بستر مجاری آبی مورد نظر مقنن به‌عنوان ظرف قابل‌تسری است و اینکه از میان اعضای متعدد دولت انجام این وظایف برعهده وزارت نیروست (مستنداً به تبصره‌های چهارگانه ذیل ماده ۲ قانون فعلی) و نتیجه اینکه وزارت نیرو به نمایندگی دولت اختیار و مسئولیت دارد که ضمن بهره‌برداری از بستر مجاری آبی احصاشده در قانون طبق مصالح عامه و همچنین صدور مجوز بهره‌برداری بر آن نظارت و از آن حفاظت کرده و از هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز جلوگیری کند؛ با این توضیح نه وزارت نیرو، نه دولت و نه حکومت، مالک بستر مجاری آبی نبوده، اما مختارند برابر

ظاهراً این تغییر در متن قانون جدید و به‌کارگیری واژگان «مشترکات» و «در اختیار حکومت اسلامی» در راستای اصل ۴۵ قانون اساسی انجام پذیرفت تا مطابقت با آن داشته باشد.

بررسی حقوقی مالکیت مجاری طبیعی آبی در قانون توزیع عادلانه آب و آثار حقوقی مترتب بر آن

الف- مفهوم مالکیت

قانون‌گذار در ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب، بستر مجاری آبی موضوع بحث را در اختیار حکومت اسلامی اعلام کرد. مستنبط از واژه «در اختیار» و «حکومت» با لحاظ تعاریفی که از واژگان مذکور ارائه شد این است که این ظروف آبی همانند مظلوف خود -مادامی که تخصیص داده نشدند- مالکیت‌پذیر نبوده و توجهاً به اهمیت و حساسیتی که دارد از حوزه عمل و اقدام دولت به‌عنوان قوه مجریه فراتر رفته و در قلمرو حکومت به معنای تمامی ارکان اداره کشور قرار گرفته است؛ از این‌رو به‌جای واژه «مالکیت» که نوعی رابطه حقوقی تعریف‌شده بین شخص و مال است، (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷) از واژه «در اختیار» استفاده شد تا مانع شخص از هرگونه تصرفی شود که قاعدتاً در رابطه مالکانه برایش متصور و مفروض است چه اینکه واژه «در اختیار» صرفاً حق استفاده، بهره‌برداری یا اجازه و نظارت بر بهره‌برداری را آن‌هم به موجب قانون و با قید مراعات مصالح عامه به شخص مختار می‌دهد که در بهترین حالت می‌توان آن را به‌عنوان یکی از شاخه‌های مالکیت برشمرد. با این توصیف نمی‌توان برای بستر مجاری آبی مذکور مالکی شناخت، خواه این مالک دولت باشد یا حکومت و این بدان معناست که بستر مجاری آبی موضوع بحث نمی‌تواند جزء انفال باشد، چه اینکه انفال برابر نص (سوره انفال آیه ۱) از آن خداوند کریم و رسول اکرم^(ص) است و طبق نظر مشهور فقها در زمان غیبت از مباحات محسوب می‌شود که با حيازت از قابلیت تملک برخوردار است؛ اما با توجه به نظر مقنن در ماده ۲ بستر مجاری آبی، امکان تملیک و تملک نداشته و در دوره‌ای که به دوره حکمرانی آب نامیده شد، حکومت اختیار دارد طبق مصالح عامه از آن بهره‌برداری کند و از بُعد اجرایی «دولت» مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر

مقررات موضوعه که شرح آن گذشت از آن بهره‌برداری و مسئولند تا از آن حفاظت و بر آن نظارت کنند.

ج- مجاری آبی و مصادیق آن

مجاری آبی از منظر حقوق آب مسیرهایی هستند که یا به‌طور طبیعی محل عبور آب بوده یا توسط دولت برای هدایت و انتقال آب‌های عمومی احداث شد که قانون‌گذار نام «بستر» را برای این مسیرها برگزید؛ بنابراین در این مقاله در تآسی از مقنن به بررسی مالکیت بستر مجاری آبی احصاشده در ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب پرداخته. از آنجایی که این ماده در حال حاضر مجری و مرعی است و اینکه مصادیق مجاری آبی احصاشده در ماده یادشده به‌مراتب بیشتر از موارد مذکور در ماده ۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن است، از این‌رو قانون فعلی مناسب‌تر تشخیص و محور و مبنای بحث حاضر قرار گرفت. مصادیق مجاری آبی احصاشده در ماده ۲ قانون فعلی عبارت‌اند از: ۱- بستر انهار طبیعی ۲- رودخانه‌ها ۳- مسیل‌ها ۴- کانال‌های عمومی

د- چگونگی تعیین بستر و حریم آن

نحوه تعیین بستر یکی از مباحث بسیار مهمی است که از دو جهت حائز اهمیت است: **مورد اول** تأثیری است که بر املاک مجاور داشته و از توسعه غیر متعارف آن جلوگیری می‌کند و **مورد دوم** اهمیتی است که در تعیین محدوده بستر و تثبیت آن دارد. روشن‌شدن موارد مذکور مستلزم بررسی مقرراتی است که در این خصوص به تصویب رسید. همان‌گونه که گفته شد برابر تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب، وزارت نیرو در اجرای تکالیف مقرر در تبصره یک ماده ۲ آیین‌نامه نحوه تعیین حد بستر، حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی را در ۱۲ تیر ۱۳۷۰ در ۱۵ ماده و ۹ بند با امضای وزیر وقت نیرو تصویب کرد (وزارت نیرو، ۱۳۷۳) که این آیین‌نامه پس از ابطال از سوی دیوان عدالت اداری (در ۲۳ مرداد ۱۳۷۹) (وزارت نیرو، ۱۳۸۶) مجدداً در ۱۱ آبان ۱۳۷۹ به تصویب هیئت وزیران رسیده و دارای قابلیت اجرایی است.

ه- ضابطه‌ها و معیارهای قانونی تعیین پهنای بستر

ضابطه‌ها و معیارهای فنی و علمی برای تعیین پهنای بستر رودخانه، نهر یا مسیل و حریم آن طبق تبصره یک ماده ۲ قانون فعلی عبارت‌اند از: «آمار هیدرولوژی» و «داغاب» در بستر طبیعی آن‌ها. وزارت نیرو در کتاب فرهنگ آبیاری و زهکشی در تعریف آمار هیدرولوژی و داغاب آورده است: آمار هیدرولوژی، فراهم‌آوردن آمار جریان روزانه، ماهانه و سالانه یک رودخانه با حداقل و حداکثر آبدهی لحظه‌ای یا هردو گروه در یک جدول (وزارت نیرو، ۱۳۵۴) داغاب: خط یا ردی که گل‌ولای موجود در بالاترین سطح سیلاب یا برکشند (مد) برجای می‌گذارد (وزارت نیرو، ۱۳۵۴). با توجه به تعاریف مذکور، آمار هیدرولوژی همان جریان آب در رودخانه است که با وسایل اندازه‌گیری در مقیاس‌های زمانی روزانه، ماهانه و سالانه اندازه‌گیری می‌شود؛ بنابراین دارای خصیصه علمی و مطالعاتی است و از حیث محاسباتی می‌تواند دبی آب پایه و حجم آب جاری در رودخانه و انهار را اعلام کند و براساس آن عرض یا پهنای بستری که برای انتقال حجم محاسبه‌شده براساس دبی پایه مورد نیاز است را تعیین کرد؛ اما داغاب همان‌گونه که از نام آن پیداست، داغ یا اثری است که آب در طبیعت برجای می‌گذارد و دارای جنبه فیزیکی و عینی است؛ با این توضیح می‌توان نتیجه گرفت که داغاب شاخصی است که براساس آن می‌توان پهنای بستر رودخانه و انهار طبیعی و مسیل را تعیین کرد؛ اما در بند ح ماده یک آیین‌نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها و ...، علاوه بر «آمار هیدرولوژیک» و «داغاب»، از شاخص اندازه‌گیری دیگری به‌نام «حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله» نیز نام برده شد (وزارت نیرو، ۱۳۸۷). اگرچه در قانون فعلی به عبارت «حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله» اشاره‌ای نشد و اینکه آیین‌نامه یا تصویب‌نامه نباید و نمی‌تواند مغایر با قانون باشد؛ فلذا این قسمت از آیین‌نامه قابل ابطال به نظر می‌رسد؛ لیکن تاکنون شاخص «حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله» در تعیین پهنای بستر ایفاء نقش می‌کند این در حالی است که با اعمال شاخص مزبور تحت‌الشعاع قرارگرفتن ضابطه‌های قانونی، یعنی آمار هیدرولوژی عموماً و داغاب خصوصاً مفروض است، چه اینکه «حداکثر طغیان» که به قید «دوره برگشت ۲۵ ساله» مقید شد، هر ۲۵ سال یکبار اتفاق می‌افتد

قانع‌کننده نباشد، کمیسیون می‌تواند رأساً یا به‌وسیله کارشناسان دیگری محل را بازدید و سپس نظر خود را درباره بستر به شرکت اعلام دارد. نظر این کمیسیون قطعی و به‌منزله نظر وزارت نیروست. نکته حائز اهمیت این که پس از اعلام نظر کمیسیون ماده ۳ شرکت آب منطقه‌ای می‌بایست نسبت به علامت‌گذاری‌های حد بستر تعیین‌شده به نحو مقتضی اقدام کند. اهمیت این موضوع یعنی علامت‌گذاری حد بستر تعیین‌شده در این است که ضمن تثبیت حد نهایی بستر، از توسعه آن با وقوع سیلاب‌های بعدی با دوره برگشت ۲۵ ساله جلوگیری خواهد کرد و مالکیت مالکان مجاور نیز از هرگونه تزلزل مصون خواهد ماند.

ز- ایجاد اعیان در بستر و حریم مجاری آبی

علی‌القاعده تعیین پهنای بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی که توسط کارشناسان آب و با توجه به آمار هیدرولوژی و داغاب انجام می‌پذیرد، باید بر مبنای محاسباتی استوار باشد که بتواند جریان‌های پایه و سیلاب‌هایی که به‌طور متعارف در حوزه آبریز هر رودخانه یا مسیل جریان می‌یابد را هدایت کند؛ به‌نحوی که هیچ‌گونه خسارتی به املاک مجاور یا تأسیسات موجود در مسیر رودخانه‌ها وارد نسازد. غالباً حجم این سیلاب‌ها با داغایی که در بستر طبیعی آن‌ها برجا مانده اندازه‌گیری می‌شود و توجهاً به شرایط هر رودخانه ازجمله دبی آب، شیب عرضی و طولی، عمق رودخانه، ارتفاع آب و موقعیت مکانی مقاطع و مناطق مختلف اعم از کوهستانی، جلگه‌ای و دشت، پهنای بستر آن در هر محل تعیین و اعلام می‌شود؛ با این توضیح هرگونه ایجاد اعیان در بستر توصیف‌شده که بستر فعال نامیده می‌شود، به لحاظ اینکه در معرض تخریب قرار داشته یا بر فرض مقاوم‌سازی سازه در برابر سیلاب، موجبات انحراف جریان طبیعی و هدایت آب به اراضی و املاک مجاور را فراهم خواهد ساخت عقلاً و منطقاً قابل پذیرش نبوده؛ ازاین‌رو قانون‌گذار نیز در تبصره ۳ ماده ۲ قانون فعلی ایجاد هر نوع اعیانی و حفاری و دخل و تصرف در بستر رودخانه‌ها و انهار طبیعی و کانال‌های عمومی و مسیل‌ها را ممنوع اعلام کرد. نکته‌ای که جای تأمل دارد این است که در هر دو قانون قبلی و فعلی این ممنوعیت با عبارت «مگر با اجازه وزارت آب و برق (وزارت نیرو)» مستثنی شد. اینکه ایجاد هر نوع اعیان یا دخل و تصرف در بستر

و می‌تواند تمامی آثار و داغاب برجای‌مانده قبل از خود را از بین ببرد؛ همان‌طوری که آمار هیدرولوژی روزانه و ماهانه و سالانه را نیز می‌تواند دستخوش تغییر کند؛ ازاین‌رو اعمال این معیار می‌تواند حقوق مالکان مجاور را متزلزل سازد و شاید به همین دلیل مقنن این معیار را به‌عنوان ضابطه قانونی تعیین پهنای بستر اعلام نکرد؛ خاصه اینکه این ضابطه با عنوان «حداکثر طغیان معمولی» در ماده ۲ قانون قبلی «قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن» سابقه تقنینی داشت؛ اما در قانون فعلی مقنن از ذکر این ضابطه برای تعیین پهنای بستر رودخانه و انهار طبیعی صرف‌نظر کرد و این می‌تواند حامل این پیام باشد که درنظرگرفتن چنین ضابطه‌ای مالکیت مالکان املاک مجاور را متزلزل ساخته و در معرض تغییر، تحدید و تفویت قرار خواهد داد؛ فلذا قانون‌گذار در تصویب قانون جدید عالماً و عامداً از ذکر حداکثر طغیان با دوره برگشت ۲۵ ساله به‌عنوان ضابطه‌ای در تعیین پهنای بستر چشم‌پوشی کرد؛ با این توضیح گنجاندن آن در آیین‌نامه مربوط جای بسی تأمل دارد.

و- روش‌های تعیین و اعلام بستر

تعیین بستر رودخانه، نهر طبیعی، مسیل، مرداب و برکه‌های طبیعی به عهده شرکت آب منطقه‌ای است که به دو روش ۱- موردی و انفرادی ۲- سرتاسری انجام می‌پذیرد. در صورت اقدام موردی، مراتب به نحو مقتضی کتباً به متقاضی اعلام و درباره تعیین بستر سرتاسری موضوع از طریق پخش اطلاعیه‌های محلی (برای یک نوبت) به اطلاع اشخاص ذی‌نفع می‌رسد. پس از تعیین و اعلام بستر مجاری آبی، اشخاص چنانچه اعتراضی داشته باشند، ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار و اطلاعیه یا اعلام کتبی به متقاضی می‌توانند با مراجعه به شرکت آب منطقه‌ای محل، اعتراض خود را به شرکت مربوط تسلیم و رسید دریافت دارند، اعتراضات به‌دست‌آمده در مهلت یک ماهه به کمیسیون مقرر در ماده ۳ آیین‌نامه ارجاع می‌شود. کمیسیون مذکور پس از وصول پرونده مورد اعتراض و بررسی گزارش کارشناس یا کارشناسان، در صورتی که با بستر تعیین‌شده موافق باشد، آن را تأیید و در غیراین‌صورت پس از اخذ توضیحات از کارشناس یا کارشناسان ذی‌ربط نظر خود را به شرکت اعلام خواهد کرد. چنانچه توضیحات کارشناسی برای کمیسیون

مختلفی نظیر قانون ایمنی راهها و راه‌آهن مصوب ۷ تیر ۱۳۴۹ قانون سازمان برق ایران مصوب ۱۹ تیر ۱۳۴۶ و قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن مصوب ۲۷ تیر ۱۳۴۷ و قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۶۱ به مسئله حريم پرداخته و تعيين ميزان حريم را برعهده وزارتخانه‌های ذی‌ربط گذاشته است؛ اگرچه رویکرد اینگونه قانون‌گذار، یعنی تعيين حريم در ملك اشخاص، آن هم بدون رعایت حقوق مالکانه برابر قوانین فوق‌الذکر دارای موقعیت قانونی است، اما نباید از پیامدهای اینگونه تعرضات به املاک مجاور و ایجاد محدودیت در حق استفاده مالکان آن غافل ماند. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که قوانین موضوعه اشاره‌شده از حيث تعيين حريم در املاک مجاور که مقید به قید مراعات حقوق مالکانه اشخاص نیست، با موازین فقهی مطابقت نداشته و پذیرفتنی نیست. برای اثبات این رویکرد می‌توان به رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع دادنامه‌های شماره ۵۳۷ الی ۵۴۰ مورخ ۳۰ مهر ۱۳۸۵ اشاره کرد که به موجب آن قسمتی از بند «خ» ماده یک آیین‌نامه مربوط به بستر و حريم رودخانه‌ها و ... مصوب ۱۶ آبان ۱۳۸۹ هیئت وزیران راجع به وضع حريم در ملك مجاور پس از اخذ نظریه شورای نگهبان ابطال شد. در این نظریه شورای نگهبان در پاسخ استعلام هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌نویسد: «مواردی که نهر احداثی در آخر ملك شخصی و مجاور ملك غیر احداث شده باشد، از نظر اثبات حريم برای این نهر حتی نسبت به ملك غیر، خلاف موازین شرعی شناخته می‌شود ...». جالب است بدانیم که شورای نگهبان در تصویب قانون توزیع عادلانه آب متعرض حريم نشده و به تعيين آن از سوی وزارت نیرو ایرادی نمی‌گیرد؛ اما بند «خ» ماده یک آیین‌نامه مربوط به بستر و حريم رودخانه‌ها و ... که در راستای ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب و تبصره‌های ذیل آن به تصویب می‌رسد را مخالف با موازین شرعی اعلام می‌کند. این دوگانگی در تصمیم در حالی صورت می‌گیرد که اساساً بررسی قانون آب کشور و ارائه طرح جدید که به تصویب قانون توزیع عادلانه آب در سال ۱۳۶۱ منتهی شد، با هدف تطبیق مقررات آن با موازین شرعی و فقهی انجام گرفت.

رودخانه‌ها و انهار طبیعی و مسیل‌ها با اجازه وزارت نیرو مجاز اعلام شد، ناظر بر مواردی است که یا ضروری تشخیص داده می‌شود یا مزاحمتی برای امور آب یا برق ایجاد نمی‌کند که در هر حالت می‌بایست به صورت اصولی و با رعایت نکات فنی انجام پذیرد. با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد عواملی نظیر تغییر طبیعی مسیر رودخانه‌ها، احداث تأسیسات آبی در بالادست، تعيين پهنای بستر با دوره برگشت ۲۵ ساله یا بیشتر، زمینه واگذاری بستر و دخل و تصرف در آن را خواه با اجازه وزارت نیرو یا به صورت غیرمجاز فراهم ساخته و به همین دلیل آیین‌نامه مربوط به آن، به نوعی به پهنه‌بندی سیل و همچنین تعيين نوع کاربری روی آورده است و این بدان معناست که پهنای تعيين شده بسیار وسیع‌تر از عرض مورد نیاز برای جریان غالب که معادل جریان متوسط سالیانه و با سیلاب با دوره برگشت یکساله است، می‌باشد؛ از این رو برای بهره‌برداری بهینه از اراضی وسیعی که در نتیجه وقوع عوامل فوق‌الذکر به عنوان بستر رودخانه در حاشیه رودخانه‌های کشور ایجاد شده یا می‌شود، سیاست‌هایی در آیین‌نامه اتخاذ شد. شاید در توجیه تعيين پهنای بستر با دوره برگشت ۲۵ ساله که به عریض‌شدن رودخانه‌ها و تعرض به اراضی و املاک مجاور می‌انجامد گفته شود که این معیار از ورود خسارت ناشی از وقوع سیل به اراضی و املاک اشخاص و تأسیسات و ابنیه احداثی جلوگیری می‌کند؛ اما باید توجه داشت که تعيين پهنای بستر با دوره برگشت ۲۵ ساله فقط می‌تواند ورود خسارت را برای یک دوره به تأخیر اندازد؛ اما هرگز نمی‌تواند مانع از ورود خساراتی شود که با سیلاب با دوره برگشت بیشتر از ۲۵ سال به وقوع می‌پیوندد؛ بنابراین همان‌گونه که قانون‌گذار بخردانه در تعيين پهنای بستر از این معیار استفاده نکرد، مقام مصوب آیین‌نامه نیز می‌بایست از این سیاست درست تبعیت می‌کرد.

ح- نحوه تعيين حريم مجاری آبی

نحوه تعيين حريم مجاری آبی نیز از موضوعاتی است که بررسی آن ضرورت دارد. قطع نظر از اینکه حکم حريم برابر موازین فقهی در اراضی موات جاری است، اما به کرات دیده می‌شود که علاوه بر قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ قوانین

نتیجه‌گیری

مالکیت مجاری آبی یکی از موضوعات مهم حقوق آب کشور است که متأسفانه همپای سایر موضوعات پراهمیت این رشته نوپا و به دلیل فقدان قانونی جامع در بخش صنعت آب کشور مورد توجه قرار نگرفت؛ از این رو با در نظر گرفتن تقسیمات گوناگونی که برای اموال وجود دارد، مالکیت مجاری آبی با قید «طبیعی» یا «مورد استفاده عموم بودن» را باید در دسته اموال عمومی جای داد. در بررسی جایگاه قانونی این دسته از اموال در قوانین موضوعه از ابتدای دوره قانون‌گذاری تاکنون دریافت شد که مالکیت مجاری آبی از منظر قانون‌گذار دارای حکمی واحد نیست. سیر تحول و تطور قوانین موضوعه مرتبط نشانگر آن است که قانون‌گذار در خصوص مالکیت این دسته از اموال و متناسب با اوضاع و احوال زمان تصویب قانون سه نگاه متفاوت داشته است: ۱- نگاهی که مالکیت خصوصی را نیز محترم می‌شمارد ۲- نگاهی که آن را در مالکیت دولت اعلام می‌کند و ۳- نگاهی که این اموال را از ثروت‌های عمومی و مشترکات و در اختیار حکومت اسلامی می‌داند. از آن جایی که هریک از دوره‌های تقنینی تأثیرش را بر مالکیت اشخاص نسبت به مجاری آبی گذاشت و اینکه به‌درستی یا نادرستی در مقطعی از زمان، اقداماتی از سوی اشخاص صورت پذیرفت که به صدور سند مالکیت این گونه اموال بنام اشخاص منتهی شد و ایضاً اینکه در قانون فعلی که به موجب آن آخرین اراده مقنن که فی‌الحال از موقعیت اجرایی برخوردار است نه‌تنها مالکیت خصوصی اشخاص بلکه مالکیت دولت نیز بر این گونه اموال مورد پذیرش قرار نگرفت و عنایتاً به اینکه حکم مالکیت مجاری آبی با توجه به پیشینه قانونی آن با جزر و مدهای شگرف مواجه بوده و به لحاظ خلأ قانونی یا ابهام در قوانین موجود چندان روشن نبوده و نیست، با بررسی قوانین موضوعه و تحلیل آن، سعی در تبیین مالکیت مجاری آبی موضوع تحقیق که هم‌اکنون نیز از دغدغه‌های اساسی متولیان امر، دست‌اندرکاران، اشخاص و جوامع مرتبط است، شده که نتایج به‌دست‌آمده حکایت از آن دارد که در نظم حقوقی کنونی، مجاری آبی به دو دسته «طبیعی» و «احداثی» قابل تقسیم‌اند که هر دسته دارای حکم مخصوص به خود است.

منابع

۱. امامی س. ح. ۱۳۶۳. حقوق مدنی، جلد ۱. تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهارم. ۶۱۰ ص.
۲. جعفری لنگرودی م. ج. ۱۳۶۷. ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ دوم. ۷۹۱ ص.
۳. رشیدی ح. ۱۳۸۲. قانون توزیع عادلانه آب در آیین حقوق ایران، جلد ۱، تهران: نشر دادگستر. ۵۷۶ ص.
۴. سرمد م. ۱۳۵۱. حقوق آب، جلد ۳، تهران: چاپخانه کیهان، چاپ اول. ۳۱۷ ص.
۵. کاتوزیان ن. ۱۳۷۹. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر دادگستر، چاپ چهارم. ۸۵۶ ص.
۶. وزارت نیرو. ۱۳۵۴. فرهنگ فنی آبیاری و زهکشی. ترجمه کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، تهران: چاپ موقت. ۱۳۹۱ ص.
۷. وزارت نیرو. ۱۳۷۳. مجموعه قوانین، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های آب و برق از ابتدای دوره قانون‌گذاری لغایت ۱۳۷۲، جلد ۱، تهران: دفتر حقوقی وزارت نیرو، چاپ اول. ۶۵۳ ص.
۸. وزارت نیرو. ۱۳۸۶. مجموعه قوانین، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های آب، برق و آب و فاضلاب، جلد ۴، تهران: مؤسسه مطالعات و خدمات حقوقی وزارت نیرو، چاپ اول. ۹۲۷ ص.
۹. وزارت نیرو. ۱۳۸۷. مجموعه قوانین و مقررات آب، برق و آب و فاضلاب دفتر حقوقی وزارت نیرو، تهران: نشر ایمان، چاپ اول. ۹۳۷ ص.